

شیرجه زدن در چشمه‌ی زندگی

راهنمای اجرای ایده‌ها

تینا سیلیگ

ترجمه‌ی سارا پورحسینی



نشر میلکان

مقدمه

ار الهام تا انجام

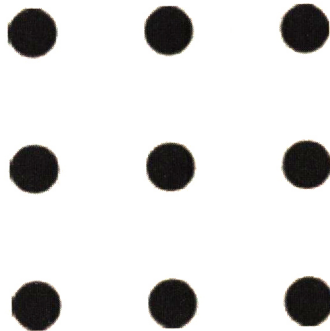
بیش از ۶۰ درصد رندانیا رندان های کالیفرنیا بعد از سه سال دوباره به رندان نارمی گردند، این مقدار بازگشت نشان دهنده ی ناامیدی است کسانی که از رندان آزاد می شوند اغلب پس از گذشت چند دهه از اولین دوره ی حس شان، نا چھانی مواحه می شوند که گریه های محدودی پیش پای شان می گذارد بر حوردهای متعصانه ی تندوتیر و راهمایی اندک برای اربو ساحت رندگی شان سیاری از این افراد وقتی آینده ی خود را تحسم می کسد، چیری حر انھام نمی یابند و مسیری مشحص پیش روی شان نمی بیسد حای تعحب بیست که سیاری از آن ها دوباره مرتکب حلاف می شوند و به رندان نارمی گردند

کریس ردلیتر^۶ و نورلی پارتی^۷، کارآفریان موفق، در تلاش برای حل ایس مشکل افسارگسیخته، برنامہ ی لست مایل^۸ را آعار کردند تا رندانیا محسوس در رندان ایالتی سس کوئنتین^۹ کالیفرنیا را در رمیسه ی کسب وکار و فاوری آموزش دهد و برای بازگشتی موفقیت آمیر به آزادی آماده کند آن ها در طی شش ماه، در کنار سایر داوطلبانی که در رمیسه های مختلف تخصص داشتند، هفته ای دو بار با گروهی چهل نفره از رندانیا دیدار می کردند و به آن ها آموزش هایی دربارہ ی کارآفرینی می دادند و کمک شان می کردند که مهارت هایی همچون ارتباطات نوشتاری و سحرانی برای عموم و کار نا رایانه را یاد نگیرند

شرکت کسندگان این طرح، ایده ای برای کسب وکار حلق می کسد که نا استعاده از فاوری درصد حل یکی از مشکلات اجتماعی باشد و یاد می گیرند که چگونه در سحرانی پبح دقیقه ای اثرگذار، ایده و نقشه ی خودشان را بیان کند شرکت کسندگان در پایان شش ماه، ایده های شان را در جمع مدیران تحاری و سایر

سوال این است که چرا افراد فکر می‌کنند حلاقیت و کارآفرینی آموختنی نیستند؟ من معتقدم که چنین دیدگاهی به خاطر فقدان دایره‌ی واژگانی مشخص و نمود مسیری برای عملی کردن الهامات است. سایر رمیسه‌های علمی همچون فیزیک، ریست‌شناسی، ریاضی و موسیقی وضعیت بهتری دارند. این علوم اصطلاحاتی مشخص دارند و روابطشان به نحوی دسته‌بندی شده‌اند که رویکردی ساختارمند برای کسب مهارت‌های لازم دارند. برای نمونه اگر ما تعاریفی برای نیرو (F) و حرم (M) و شتاب (A) و رابطه‌ی بین آن‌ها ($F=m \times a$) را در اختیار نداشته‌ایم، نمی‌توانستیم ماشین و هواپیما و موشک بسازیم. تعاریف و معادله‌ها این امکان را به ما می‌دهند که قوانین پایه را تشریح کنیم و سپس آن‌ها را به شیوه‌هایی مفید و سودمند به کار بگیریم.

ما رصایت داده‌ایم که برای تعریف فرایند حلاقیت، دایره‌ی واژگانی بی‌قاعده و شستی را به کار بریم. وقتی از افراد مختلف، از دانش‌آموزان گرفته تا کارکنان شرکت، می‌خواهم که حلاقیت را تعریف کنند، پاسخ‌هایی بسیار متفاوت می‌شوم. بسیاری حرف‌شان را با «به‌نظم حلاقیت» شروع می‌کنند و رایج‌ترین عبارت تکمیل‌کننده چیرگی نیست حر «فکرکردن خارج از چهارچوب است» و وقتی از آن‌ها می‌پرسم که معنی این جمله واقعاً چیست، هیچ‌کس جوابی ندارد. کلیشه‌ی «فکرکردن خارج از چهارچوب» از راه‌حل معمای نه نقطه‌نشت گرفته است. در این معما باید نه نقطه‌ای را که در شکل می‌بینید بدون لمس کردن قلم از روی کاعد و با کشیدن کم‌تر از چهار خط مستقیم، به هم وصل کنید.



رندانیان ارابه می‌کنند. پروژه‌هایی که این افراد قبلاً توسعه داده‌اند، عبارت‌اند از فیتنس مانکی^۹، استارت‌آپی که به معتادان کمک می‌کند اعتیاد به ورزش را جایگزین اعتیاد به مواد مخدر کند، تک‌سیخ^۱، به رندانیان سابق کمک می‌کند که توسعه‌دهنده‌ی برم‌افزارهای گوشی‌های همراه شوند تا بعد از آزادشدن شعاعی داشته باشند، فانکی آبیون^{۱۱}، میوه‌ها و سریشات صبر به دیده را ارزان‌تر می‌حرد و آن‌ها را به رستوران‌هایی می‌فروشد که آن‌ها را می‌پزند و به ظاهر ناحوشایدشان اهمیتی نمی‌دهند.

مهم‌ترین چیزی که این افراد یاد می‌گیرند دیدن خودشان در نقش کارآفرینی است که می‌تواند آینده‌ی خویش را بسازد. مشکل کمبود اعتماد به نفس فقط مختص رندانیان نیست، حتماً نباید رندانی شوید که احساس بیهودگی کنید! بی‌شمار انسان در سرتاسر دنیا اعتماد به نفس کافی برای ساختن زندگی‌های دلخواه‌شان را ندارند، آن‌ها نمی‌دانند که چه هدفی را دنبال می‌کنند یا چگونه باید از موانع پیش‌روی‌شان عبور کنند. آن‌ها ناور ندارند که بگویند و مسول هستند و می‌توانند آینده‌ی خود را در دست بگیرند.

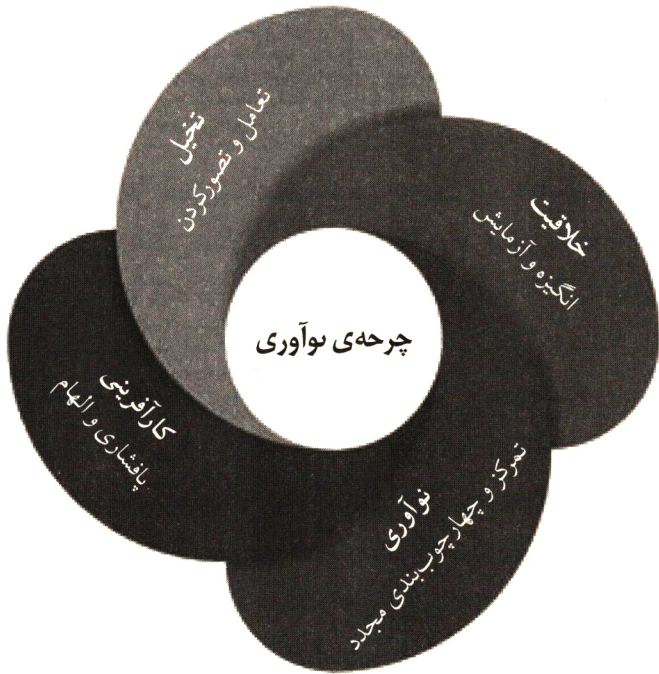
آمورش‌بندان کارآفرینی به جوانان حمایت است. تک‌تک ما مسول ساختن زندگی خود و حل کردن مشکلات بزرگ‌تر جهان هستیم و تنها راه انجام این مسولیت به‌کار بستن دانش و مهارت و رویکردهای لازم برای به‌ثمر رساندن ایده‌هاست. متأسفانه آموزش‌های رسمی در برابر نوآوری مقاومت می‌کنند و فقط به حفظ کردن اهمیت می‌دهند، به‌حای آموزش دادن قهرمان بودن به دانش‌آموزان و دانش‌جویان، بر معرفی قهرمانان متمرکز می‌کنند و به‌حای بیان مسائل واقعی زندگی که راه‌حل‌های بی‌شمار دارند، مسائلی را مطرح می‌کنند که فقط یک پاسخ درست دارند. افراد باید بتوانند از مدارس بیرون بیایند و حس کنند که برای رویارویی با فرصت‌ها و مبارزه‌هایی که به انتظارشان شسته‌اند، قدرت لازم را دارند.

بسیاری از معلم‌ها و مربیان معتقدند که نمی‌توان چنین مهارت‌هایی را آموزش داد. آن‌ها نوآوری و کارآفرینی را ویژگی‌های مادرزادی همچون رنگ چشم و مو می‌دانند که نمی‌توان تغییرشان داد، اما این حرف درست نیست، می‌توان این مهارت‌ها را یاد گرفت و این وظیفه‌ی ماست که به انسان‌ها در تمامی سنین آموزش بدهیم که نوآور باشند و توانایی خلق جهانی را که دوست دارند در آن زندگی کنند به آن‌ها بیاموزیم.

محش اول

تحیل

تعامل و تحسم کردن



زندگی اسکات هریسون^{۲۶} آشفته‌ناراری تمام‌عیار بود و طیمه‌ی او ترعیب دیگران برای رفتن به کلوبی شسانه و بوشیدن تا حد ممکن بود او پس ار ده سال تبلیغ کردن برای این کلوب کاملاً ندبحت شده بود و آدم‌هایی دوروبرش را گرفته بودند که نه آن‌ها دسته‌ی درب‌وداعون‌ها می‌گوید او در سحرایی‌اش در استهمورد گفت

دست‌وپنجه برم می‌کردند و بسیاری از این بیماری‌ها نه‌سب آلودگی آب و باکتری‌ها و انگل‌ها و فاصلات ایحاد شده بود او در عکس‌هایش حوانان و سالمندانی را نه تصویر می‌کشید که رنگی‌شان نه‌حاضر بود آب آشامیدنی پاکیره رو نه نابودی بود او مصمم شد که کاری انجام بدهد و راه‌حلی پیدا کند

اسکات پس از نارگشت نه بیویورک در سال ۲۰۰۶، با هدف تهیه‌ی آب آشامیدنی سالم برای هشت میلیون نفری که در این سیاره نه آن دسترسی ندارند، حیریه‌ی آب^۳ را تاسیس کرد او با تکیه بر مهارت‌هایش در تبلیغ، توانست توحه میلیون‌ها نفر در سراسر دنیا را حلت کند و حمایت شرکت‌هایی پُر بارده را کسب کند که می‌توانستند با نمودشان نه افراد بیش‌تری دسترسی پیدا کنند راهبردهای حیریه‌ی آب سرراست هستند برای دسترسی نه آب سالم چاه حفر می‌کنند، سامانه‌های ناران‌گیر می‌سارند و فیلترهای شنی نصب می‌کنند برای تعیین مکان‌های مناسب نصب نیر از گروه‌های محلی کمک می‌گیرند

از داستان اسکات هریسون دو درس می‌گیریم بحسب این‌که اشتیاق بعد از تعامل ایحاد می‌شود شما می‌توانید کاری را که می‌خواهید انجام بدهید، پس از تحربه‌هایی که تحیل‌تان را بیدار می‌کند، نه بهترین شکل ممکن تصور کنید درست مثل اسکات قبل از این‌که اشتیاق‌تان را کشف کنید، اصلاً نمی‌دانید که با چه چیزی مواحه خواهید شد دوم این‌که مسولیت تصمیم‌گیری برای رنگی‌مان برعهده‌ی خود ماست، هراران گریه و خود دارند و خودمان باید از میان‌شان دست نه انتخاب بریم

اولین قدم برای انجام‌دادن هر کاری تحسم‌کردن نتیجه‌ای است که انتظارش را می‌کشید در این بحش اولین مرحله‌ی چرحه‌ی نوآوری را بررسی می‌کنیم و نشان می‌دهیم که تعامل و تحسم‌کردن نه شما توان حلق آیدیه‌ی دلخواه‌تان را می‌دهد

تا ۲۸ سالگی مرتکب هر نوع فسق‌وفحوری که در رنگی‌شانه و خود دارد و نه ده‌تان می‌رسد، شدم! روری دو پاکت و بضمی سیگار می‌کشیدم، نه حد افراط می‌نوشیدم، معتاد نه کوکابین و ام‌دی‌ام‌ای و اِکس بودم، در دام قمار و هرره‌نگاری و کلوب استریپ هم افتاده بودم؛ اما حوش‌حخانه بعد از گذشت ده سال از حواب عملت بیدار شدم در پونتا دل استه‌ی^{۲۷} امریکای حوی می‌بودم که ناگهان متوحه شدم تنها آدم بددختی بیستم که می‌شناسم، بلکه بدترین آدمی هستم که می‌شناسم! منظورم این است که خودخواه‌تر و مفت‌حورتر از من و خود نداشت متوحه شدم آن‌چه بعد از مرگم بر حای می‌گذارم حاطره‌ی آدمی است که مهمانی راه می‌انداحت و مردم را مست می‌کرد و همه‌حای حراسی و آشفستگی نه نار می‌آورد

اسکات از رنگی‌اش متفر بود تصمیم گرفت که همه‌چیز را تغییر بدهد او از خودش پرسید «برعکسِ رنگی من چطور است؟» بعد از چند هفته تفکر، نه این حواب رسید که باید در سارمانی بشر دوستانه مشعول خدمت شود و نه بیارمندان کمک کند اسکات برای کمک داوطلبانه سراع تعداد زیادی از گروه‌های خدمات اجتماعی رفت اما هیچ‌کدام‌شان او را نپذیرفتند؛ وضعیت او مشانه آدمی بود که می‌تواند کمکی کند اسکات بدون آن‌که کسی حلودارش باشد نه حس و حوی خود ادامه داد تا این‌که مرسی شیپس^{۲۸}، سارمانی که در راستای ارانه‌ی خدمات پزشکی رایگان، کشتی‌های بیمارستانی را نه محروم‌ترین مناطق دنیا می‌فرستد، او را پذیرفت آن‌ها نه اسکات گفتند که اگر نتواند هریه‌ی سفر خودش را بپردازد، می‌تواند با آن‌ها همکاری کند او هم این فرصت را عیبت شمرد

پرشکان مرسی شیپس دو هفته داوطلب می‌شدند که عمل‌های حراحی انجام دهند و نه کسانی که بیار داشتند، دارو برساند کشتی اسکات نه‌سمت لیریا^{۲۹} در عرب افریقا می‌رفت و طیه‌ی او عکاسی حبری بود و داستان‌های کسانی را ثبت می‌کرد که از پرشکان خدمات دریافت می‌کردند این تحربه چشم اسکات را نه جهانی پُر از درد و ریح گشود در آن مناطق هراران نفر با بیماری‌هایی وحشتناک